

دفاع غیر تحریک آمیز: راهبرد جمهوری اسلامی ایران برای کاهش معمای امنیتی غرب آسیا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۴

داود غرایاق زندی*

چکیده

جمهوری اسلامی ایران مانند هر کشور دیگری به دنبال رسیدن به موقعیتی است که از توان دفاعی خود در قبال تهدیدات نظامی تا حد قابل قبولی اطمینان حاصل کند. این اطمینان خاطر، ممکن است موجب شود دیگر کشورها، به ویژه کشورهای پیرامونی احساس خطر کرده و متقابلاً سعی در جبران وضعیت دفاعی خود کنند. این وضعیت به معمای امنیتی در مطالعات راهبردی معروف است. حال چه باید کرد تا ضمن اینکه کشور توان دفاعی را به حد قابل قبولی می‌رساند، از گسترش تهدید نظامی، مسابقه تسلیحاتی، افزایش ناامنی و حضور قدرت‌های بزرگ جلوگیری کند. پاسخی که این مقاله درصدد طرح آن است، راهبرد دفاع غیر تحریک آمیز می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: دفاع غیر تحریک آمیز، معمای امنیتی، جمهوری اسلامی، غرب آسیا،

پدافند غیر تهاجمی

* استادیار پژوهشکده مطالعات راهبردی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال پانزدهم • شماره سوم • پاییز ۱۳۹۱ • شماره مسلسل ۵۷

مقدمه

هر کشوری در نظام بین‌الملل به دنبال تأمین امنیت ملی خود است. یکی از پایه‌های اساسی و جدی امنیت ملی داشتن توان دفاعی مؤثر در قبال تهدیدات خارجی، به ویژه نظامی است که می‌تواند ساختار سیاسی و اجتماعی کشور را تحت تأثیر جدی قرار دهد. به واقع، توان دفاعی سطح اصلی و اولیه تأمین امنیت ملی هر کشور است و بدون آن، مفهوم امنیت ملی بی‌معنی خواهد بود. در ساختار موجود نظام بین‌الملل که آنارشیک - فاقد حکومتی به معنای آنچه در محیط داخلی واحدهای سیاسی وجود دارد - است، هر واحد سیاسی باید خود به دنبال تأمین امنیتش باشد و با افزایش توان خود، شرایط مناسب‌تری برای ارتقای امنیت ملی فراهم آورد. افزایش توان و قدرت هر کشور باعث افزایش اطمینان خاطر در آن کشور می‌شود. در شرایطی که کشور توان دفاعی قابل قبول داشته باشد، زمینه تهدید بیرونی کمتر شده و نوعی حالت بازدارندگی در روابط کشورها پدید می‌آید. ایجاد توازن قوا بین واحدهای سیاسی، یکی از روش‌های تأمین امنیت ملی کشورها محسوب می‌گردد.

در عین حال، افزایش توان مقابله با تهدیدات بیرونی در هر کشوری عامداً و سهواً نوعی هراس از برهم‌خوردن توازن قوا بین واحدهای سیاسی دوست و دشمن پدید می‌آورد و با هر تحرک و اقدام برای ارتقای قدرت دفاعی و امنیتی، طرف مقابل را وادار می‌کند تغییراتی برای ایجاد وضعیت جدید متوازن در میان خود و واحد رقیب در منطقه یا در سطح جهانی ایجاد کند. در این روال، تغییرات دفاعی و امنیتی مبتنی بر نیاز و قابلیت دفاعی و امنیتی هر کشور نیست، بلکه شرایط آنارشیک بین‌المللی ایجاب می‌کند، در صورت عدم نیاز به ارتقای توان و قدرت ملی، تنها به واسطه تغییراتی در وضعیت دفاعی واحد دیگر - حتی واحد غیرمتخاصم - تغییراتی در وضعیت دفاعی خود ایجاد کند تا زمینه تحرک واحد دیگر برای تحمیل منافع ملی خود بر آن کشور از بین ببرد. این شرایط وضعیتی است که از آن به «معمای امنیتی»^۱ تعبیر می‌شود.

معضل اصلی در ایجاد معمای امنیتی در یک منطقه این است که کشورها در حالی که سعی دارند با افزایش توان خود زمینه تهدیدات بیرونی را کاهش دهند، معمای امنیتی با افزایش مسابقه

تسلیماتی و کاهش توان ملی کشورها در ابعاد غیردفاعی باعث افزایش تهدید امنیت ملی آنها می‌شود. افزایش تسلیمات در هر منطقه امکان بالقوه جنگ را بالا می‌برد، کشورها هزینه‌های زیادی برای بالابردن توان دفاعی و انباشت زرادخانه‌های خود متقبل می‌شوند که تناسبی با بودجه ملی آنها ندارد و بار مضاعفی بر نظام سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشورها تحمیل می‌کند.

منطقه غرب آسیا که جمهوری اسلامی ایران در آن قرار گرفته، از چنین وضعیتی در رنج است و هر گونه تحرک کشور ما زمینه افزایش خرید تسلیحاتی، امضای همکاری‌های نظامی و حتی لفاظی‌های سیاسی و نوعی جنگ سرد را بین ما و کشورهای منطقه ایجاد می‌کند. در عین حال، شرایط منطقه به گونه‌ای است که کشورهای فرامنطقه‌ای به واسطه جذابیت‌های فراوان منطقه، به ویژه در زمینه انرژی، خواهان نفوذ و حضور در آن هستند. این امر مغایر ماهیت تجدید نظرطلبانه نظام جمهوری اسلامی است و افزایش توان دفاعی، افزایش حضور بیگانگان و در عین حال افزایش تهدید علیه امنیت ملی کشور را در پی دارد. در این شرایط، پرسش اصلی این است که جمهوری اسلامی چگونه می‌تواند ضمن افزایش توان دفاعی خود، معمای امنیتی در منطقه غرب آسیا را کاهش دهد؟ برای کاهش معمای امنیتی راه‌حل‌های مختلفی، به ویژه خلع سلاح وجود دارد که عمدتاً از جانب پژوهش‌گران مطالعات صلح طرح شده، اما این راه‌کارها برای نظام جمهوری اسلامی قابل استفاده نیست؛ زیرا باعث کاهش توان دفاعی جمهوری اسلامی خواهد شد که این امر با توجه به پیشینه تاریخی و بافت نظام جمهوری اسلامی قابل قبول نیست. در این شرایط چه باید کرد که هم توان نظامی و دفاعی کشور ارتقا یابد و در عین حال، معمای امنیتی غرب آسیا نیز کاهش یابد؟ آیا این امر با توجه به شرایط منطقه‌ای امکان‌پذیر است؟ این مقاله بر آن است که دفاع غیرتحریرک‌آمیز^۱ راهبرد مناسبی برای چنین وضعیتی است که ضمن افزایش توان نظامی و بازدارندگی، معمای امنیتی را نیز در منطقه کاهش می‌دهد. برای تأیید این فرضیه، مقاله به پنج قسمت تقسیم می‌شود. پس از مقدمه، تعاریف مفاهیم معمای امنیتی و دفاع غیرتحریرک‌آمیز مطرح می‌گردد. در بخش سوم، ویژگی سه‌گانه منطقه غرب آسیا به عنوان منطقه نفوذپذیر و واجد معمای امنیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش اصلی مقاله،

1. Non-provocative defense (NOP)

راهبرد دفاع غیرتحریریک آمیز با توجه به مقتضیات جمهوری اسلامی پردازش می‌شود و در نهایت، نتیجه‌گیری و برخی راه‌کارهای ضروری دفاعی عرضه می‌گردد.

الف. چارچوب مفهومی

معمای امنیتی اول بار توسط جان هرترز^۱ مطرح شد. به بیان وی:

«در جایی که ... جامعه آنارشیک وجود داشته، چیزی پدید آمده که به آن "معمای امنیتی" افراد، یا گروه‌ها و یا رهبرانش می‌خوانند. گروه‌ها و افراد ساکن در چنین ساختی باید در مورد تهدید، هدف قرار گرفتن یا سلطه و نابودی امنیت‌شان توسط گروه‌ها و افراد دیگر نگران باشند و هستند. تلاش برای حفظ امنیت از چنین تهدیدی، آنها را به دنبال کسب بیشتر و بیشتر قدرت برای فرار از تأثیر قدرت دیگران می‌کشاند. این به نوبه خود به دیگران ناامنی بیشتری می‌بخشد و آنها را به بدترین حالت سوق می‌دهد. از آنجا که هیچ کدام از آنها کاملاً احساس امنیت در چنین جهان دارای واحدهای رقیب را ندارند، رقابت قدرت پدید می‌آید، دور باطل امنیت و انباشت قدرت جریان می‌یابد»
(Quoted from Wiseman, 2002: 14)

این تعریف عناصر اصلی معمای امنیتی را نشان می‌دهد که عبارتند از:

(۱) معمای امنیتی ناشی از شرایط نظام آنارشیک است. در این شرایط معمای امنیتی نه تنها از "ابهام ذاتی" برخی مواضع نظامی، بلکه از "برخی مقاصد سیاست خارجی" پدید می‌آید.
(Wiseman, 2002: 17).

(۲) فرض بر وجود سوءظن و هراس متقابل است. در این شرایط، تمام دولت‌ها به عنوان دشمن تصور می‌شوند (Wiseman, 2002: 17).

(۳) هر کشوری باید بدترین حالت یا سناریو را تصور کند و در نظر گیرد.

(۴) به واسطه امکان حمله غافل‌گیرانه، نیاز به حمله بازدارنده برای مقابله با آن وجود دارد. وجود نوعی ابهام بین حمله بازدارنده^۱، پیش‌دستانه^۲ و غافل‌گیرانه^۳ تماماً به واسطه معمای امنیتی پدید می‌آید.

1. John Hertz

۵) چون افزایش توان و قدرت کشور باعث ناامنی کشور رقیب می‌گردد، دور باطلی از تلاش برای کسب قدرت و حاصل جمع جبری صفر شکل می‌گیرد.

۶) در نهایت، مسابقه تسلیحاتی نتیجه جریان تلاش برای احیای توازن قدرت در منطقه خواهد بود (Wiseman, 2002: 14 and 17).

مفهوم معمای امنیتی به تدریج تقویت گردید و به دو صورت معمای امنیتی سهوی و عمدی^۴ مطرح شد. معمای امنیتی سهوی زمانی پدید می‌آید که آمادگی دولتی برای ارتقای دفاع ملی طراحی شده باشد، اما ناخواسته امنیت دیگر دولت‌ها را تهدید کند. این گزاره اصلی معمای امنیتی است. در معمای امنیتی عمدی، «معما در ذهن حکومت به عنوان نتیجه اقدام عمدی دولت دیگر ایجاد می‌گردد». معمای امنیتی عمدی می‌تواند با حفظ وضع موجود و طراحی راهبردهای آفندی برای بازدارندگی شروع شود و یا توسط دولت‌های تجدید نظرطلب طراحی شود تا دشمنان را به اشتباه امنیتی بیاندازد (Wiseman, 2002: 17).

در عین حال، اینکه در مقابل معمای امنیتی چه باید کرد تا حدی زیادی بستگی به این دارد که چه برداشت و تصویری از معمای امنیتی وجود دارد. حداقل چهار تصور از معمای امنیتی وجود دارد: واقع‌گرایان و نوواقع‌گرایان آن را امری گریزناپذیر^۵ در نظام آنارشیک بین‌المللی می‌دانند. طرفداران نظریه جامعه بین‌المللی معتقدند با رشد و پیشرفت جوامع یا بالغ‌تر شدن جوامع انسانی، معمای امنیتی کاهش و تخفیف^۶ می‌یابد. نظریه‌پردازان نظم جهانی و متفکران نظریه انتقادی قایل به این هستند که با تشکیل اجتماع امنیتی^۷ می‌توان از آن گذر^۸ کرد. در نهایت، سازه‌انگاران چون آن را هویتی و برساخته یک مجموعه یا رهبران کشورها می‌دانند به پرهیز^۹ قبل از رخداد آن نظر دارند (Wiseman, 2002: 24). نگرش این مقاله به نظر واقع‌گرایان و نوواقع‌گرایان نزدیک‌تر است و از این رو، درصدد طرح مفهوم دفاع غیرتحریرک آمیز است.

1. Preventive Attack
2. Pre-emptive Attack
3. Surprised Attack
4. inadvertent/ deliberate
5. Inescapable
6. mitigating
7. Security Community
8. Transcending
9. Avoiding

دفاع غیرتحریک‌آمیز در جایی بیشتر قابلیت کاربرد دارد که نه امکان ایجاد اجتماع امنیتی وجود دارد، نه نظم جهانی برای گذار از آنارشی ممکن است و نه رهبران کشورهای رقیب از جدال با یکدیگر پرهیز دارند. بنابراین، از یک سو از معمای امنیتی گریزی نیست و از سوی دیگر، برای دفاع از خود باید هر روز توان خود را افزایش داد. این کار چند پیامد بسیار جدی برای هر منطقه در پی خواهد داشت. نخستین آن ایجاد مسابقه تسلیحاتی است که انباشت تسلیحات خود زمینه اقدام نظامی را افزایش می‌دهد. البته، رابطه مسابقه تسلیحاتی و معمای امنیتی همیشه یکسان نیست؛ یعنی لزوماً معمای امنیتی، مسابقه تسلیحاتی پدید نمی‌آورد، بلکه ممکن است مسابقه تسلیحاتی به معمای امنیتی منجر گردد و یا برعکس، مسابقه تسلیحاتی معلول معمای امنیتی باشد و یا حتی مسابقه تسلیحاتی به معمای امنیتی خاتمه دهد، شبیه اتفاقی که بین آمریکا و شوروی سابق پدید آمد و ناتوانی شوروی در ادامه رقابت تسلیحاتی در جنگ ستارگان باعث زمین‌گیر شدن این امپراتوری در سال ۱۹۸۹ شد. در عین حال، در این نکته توافق وجود دارد که کاهش مسابقه تسلیحاتی، به کاهش معمای امنیتی کمک می‌کند.

دومین نکته در دفاع غیرتحریک‌آمیز این است که جلوی حمله غافل‌گیرانه و پیش‌دستانه و حتی بازدارنده گرفته شود و نوعی بازدارندگی در روابط بین کشورها پدید آید. در اینجا هدف این است که کشوری در ذهن خود امکان حمله به کشور رقیب را نداشته باشد. به عبارت دیگر، هدف حفظ سرزمین کشور و ایجاد بازدارندگی است تا از بروز جنگ ناخواسته جلوگیری گردد.

در اینجا، این پرسش مطرح می‌شود که منظور از بازدارندگی چیست؟ آیا بازدارندگی در زمینه تسلیحات متعارف است یا تسلیحات هسته‌ای؟ در بازدارندگی متعارف، سلسله‌مراتب بازدارندگی می‌تواند بدین قرار باشد: در مرحله نخست بازدارندگی مبتنی بر انکار^۱ است که طرف مقابل را از حمله و جنگ بازمی‌دارد. در مرحله بعدی بازدارندگی مبتنی بر مجازات^۲ است. در اینجا هرگونه حمله با پاسخ مناسب و درخور جواب داده می‌شود. در این نقطه، حد میانه بازدارندگی یا بازدارندگی مکفی شکل می‌گیرد. در نهایت، بازدارندگی با پیروزی^۳ همراه

1. Deterrence-by-denial
2. Deterrence-by-punishment
3. Deterrence-by-war-winning

است. در این مرحله بازدارندگی به سطحی می‌رسد که هرگونه حمله ممکن است با تحمیل شکست به طرف مقابل همراه باشد (Mack, no date: 253). در بازدارندگی هسته‌ای نیز نوعی سلسله‌مراتب قابل طرح است: یکی بازدارندگی حداقلی^۱ است که تنها سیاست عدم استفاده نخست^۲ از سلاح هسته‌ای مطرح می‌شود که این خود بازدارندگی اساسی و کافی به شمار می‌آید. دیگری بازدارندگی طراحی شده^۳ است که توان سلاح‌های هسته‌ای بدون آرایش واقعی آنها بازدارندگی ایجاد می‌کند (Møller, 1983: 26).

برای دفاع غیرتحریرک آمیز معادل‌های دیگری نیز به کار رفته است: دفاع دفاعی (پدافندی)^۴، دفاع غیرآفندی^۵، دفاع سرزمینی^۶، بازدارندگی دفاعی^۷ و دفاع جایگزین^۸ (Wiseman, 2002: 3-4). در میان این معادل‌ها، دفاع غیرتحریرک آمیز با دفاع غیرتهاجمی یا غیرآفندی، به رغم نزدیکی معنایی، حداقل هفت تفاوت مهم دارند. (۱) دفاع غیرتهاجمی اشاره به تبدیل ساختار نیروهای مسلح به ساختار تدافعی دارد. در اینجا نیروهای مسلح کشور فاقد توانایی ساختاری برای حمله است. هرچند این نوع دفاع نیز به کاهش خلع سلاح سنتی معتقد نیست، ولی سعی دارد با کاهش تهدید به رقابت تسلیحاتی دامن نزند (Møller, no date: 2). در صورتی که دفاع غیرتحریرک آمیز بیشتر بر رابطه و تسلیحات تأکید دارد تا ساختار نیروهای مسلح. این کار بر مؤثر بودن تسلیحات و فناوری در کاهش تهدید اشاره دارد (Wiseman, 2002: 17). (۲) دفاع غیرتهاجمی در جایی کاربرد دارد که گستره سرزمینی برای دفاع وجود داشته باشد (Møller, no date: 3). در حالی که دفاع غیرتحریرک آمیز هم برای کشورهای وسیع از نظر سرزمین و هم برای کشورهای فاقد فضای سرزمینی برای پاسخ‌گویی به حمله غافل‌گیرانه، به ویژه هسته‌ای اشاره دارد. (۳) در دفاع غیرتهاجمی هدف این است که نوعی بازدارندگی و جنگ عمدی پدید نیاید (Møller, no date: 2)، در حالی که در دفاع غیرتحریرک آمیز امکان بالابردن بازدارندگی به سطح پاسخ‌گویی و حتی شکست مهاجم قابل افزایش است. (۴) در دفاع غیرتهاجمی، امکان ارتقای تسلیحات و تحرک

-
1. Minimum deterrence
 2. No-first-use
 3. Blueprint deterrence
 4. Defensive Defense
 5. Non-offensive Defense
 6. Territorial Defense
 7. Defensive Deterrence
 8. Alternative Defense

نیروهای نظامی چندان وجود ندارد و باید ساختار نیروها به گونه‌ای باشد که تنها امکان دفاع را ایجاد کند، اما در دفاع غیرتحریک‌آمیز امکان گذر از حالت تدافعی و تبدیل به شرایط تهاجمی و آفندی وجود دارد، زیرا ساختار نیروها در شرایط تدافعی نیستند و در عین حال، امکان استفاده از قابلیت‌های نظامی تهاجمی نیز با توجه به شرایط وجود دارد. بنابراین، دفاع غیرتحریک‌آمیز از انعطاف بیشتری برخوردار است. (۵) در دفاع غیرتحریک‌آمیز نیز همانند دفاع غیرتهاجمی، دو سطح موضوع مطرح است: نظامی و سیاسی. در دفاع غیرتهاجمی مذاکرات سیاسی جریان دارد تا حمله غافل‌گیرانه شکل نگیرد و راه اثبات آن نیز تبدیل ساختار نیروهای مسلح کشورهای منطقه است، اما دفاع غیرتحریک‌آمیز ضمن پیروی از وجه سیاسی و اطمینان‌بخش و امنیت‌سازی در منطقه، تنها تغییراتی در تسلیحات و راهبردهای نظامی خود اعمال می‌کند و در عین حال اگر قرار است تغییراتی در این دو سطح انجام دهد، آن را از طریق انتشار اسناد مختلف نظیر دکترین دفاعی، استراتژی دفاعی، سند موشکی و یا سند هسته‌ای به اطلاع کشورهای مختلف می‌رساند. در اینجاست که تحرکات نظامی باعث ایجاد تحریک نخواهد شد و علت تحول نظامی دارای ابهام نیست و در عین حال، مقاصد سیاسی آن نیز برای کشورهای منطقه روشن خواهد بود. (۶) دفاع غیرتهاجمی در جایی مطرح می‌شود که عمدتاً حمله از طریق تسلیحات متعارف است و از این رو، غیرتهاجمی کردن نیروها چندان خطر هولناکی برای آن کشور ایجاد نمی‌کند؛ در حالی که دفاع غیرتحریک‌آمیز، به ویژه در شرایط امکان وجود مسابقه تسلیحاتی، از ورود به این موضوع می‌کاهد و به جای آشوب‌سازی در منطقه، زمینه ثبات را فراهم می‌آورد، زیرا مؤثر بودن عملکرد تسلیحات متعارف، امکان هرگونه حمله، حتی هسته‌ای را کاهش می‌دهد. (۷) در نهایت، در دفاع غیرتحریک‌آمیز به نسبت دفاع غیرتهاجمی، استفاده بهتر از سیستم فرماندهی، ارتباطات، کنترل و اطلاعات (C3I)^۱ فراهم است و حتی امکان کاربرد پدافند غیرعامل^۲ که به اختفا و کوچک‌کردن اهداف دفاعی ملی (Mack, no date: 247) توجه دارد، نیز وجود دارد که در دفاع غیرتهاجمی کمتر قابل کاربرد است.

1. Command, Communication, Control and Intelligence (C3I)

2. Passive Defense

ب. غرب آسیا: نظام منطقه‌ای نفوذپذیر^۱

غرب آسیا به واسطه ویژگی‌های چندی که دارد به یکی از مناطق نفوذپذیر در جهان بدل شده است. مهمترین مشکل نظام‌های نفوذپذیر این است که به شدت درگیر معمای امنیتی هستند. این نفوذپذیری را می‌توان به دلایل زیر دانست:

نخست اینکه غرب آسیا جذابیت‌های ساختاری بسیاری از گذشته داشته است. از گذشته ارتباط بین آسیا، آفریقا و اروپا بستگی تامی به مسیر ارتباطی خاورمیانه دارد. وجود شش آبراه بین‌المللی جبل الطارق، تنگه‌های ترکیه، باب‌المندب، تنگه هرمز، کانال سوئز و تنگه تیران، مفصل‌های ارتباطی تجاری مهمی را شکل داده که در گذشته تجارت پرسود ابریشم و ادویه و پس از آن حمل برده، عاج و طلا و ذغال سنگ به اروپا اهمیت داشته و امروزه نفت و گاز به عنوان پایه‌های انرژی غرب و جهان، به شدت وابسته به این نقش ترانزیتی است (به جدول ذخایر ثابت انرژی غرب آسیا توجه کنید). در مجاورت اقیانوس اطلس و هند، ۵ دریای مدیترانه، سیاه، احمر، خزر و خلیج فارس قرار دارد که مورد استفاده تجاری و زمینه‌ساز کشمکش‌های فراوانی بوده (دوایسندل و بلیک، ۱۳۷۰: ۲۹۸-۳۵۷) و همواره به عنوان منطقه مورد اختلاف قدرت‌های جهانی وقت مطرح شده است. به عبارتی، این منطقه همیشه جهانی بوده و بیش از هر چیزی در کانون درگیری‌ها و کشمکش‌های جهانی قرار داشته که موضوع مورد علاقه امنیت ملی و بین‌المللی به شکل واقع‌گرایانه است. این جذابیت‌های ساختاری باعث شده قدرت‌های بزرگ از ایجاد و شکل‌گیری رژیم امنیتی در منطقه جلوگیری کنند تا امکان نفوذ در این منطقه برای بهره‌برداری از این جذابیت‌های ساختاری و راهبردی فراهم باشد. امروزه، نظام جهانی نفوذش را از طریق قراردادهای پایگاه‌ها، انتقالات تسلیحاتی و مداخله نظامی ادامه می‌دهد و در نتیجه آن جهان سوم، نظامی و نفوذپذیر شده است. معمولاً این نفوذگری با توازن قدرت در منطقه توجیه می‌شود، اما چنین نفوذی تعادل قدرت منطقه‌ای را بر هم می‌زند، ناامنی را گسترش می‌دهد و در را به روی جنگ‌های متعدد در منطقه می‌گشاید. مداخله جهانی و تابعیت محلی، باعث شکل‌گیری جنبش‌های مقاومت عمومی و رژیم‌های تجدید نظرطلب می‌شود (Ehteshami, 1997: 9-10).

جدول (۱): ذخایر ثابت انرژی در جهان و غرب آسیا

| مناطق | سال ۱۹۹۱ هزار میلیون بشکه | سال ۲۰۰۱ هزار میلیون بشکه | سال ۲۰۱۰ هزار میلیون بشکه | سال ۲۰۱۱ هزار میلیون بشکه | درصد سهم |
|-------------------------------|---------------------------------|---------------------------------|---------------------------------|---------------------------------|-------------|
| آمریکای شمالی | ۱۲۳/۲ | ۲۳۰/۱ | ۲۱۷/۸ | ۲۱۷/۵ | ٪۱۳/۲ |
| آمریکای مرکزی و جنوبی | ۷۴/۶ | ۹۸/۸ | ۳۲۴/۷ | ۳۲۵/۴ | ٪۱۹/۷ |
| اروپا، روسیه و آسیای مرکزی | ۷۶/۸ | ۱۰۲/۴ | ۱۳۹/۵ | ۱۴۱/۱ | ٪۸/۵ |
| غرب آسیا | ۶۶۰/۸ | ۶۹۸/۷ | ۷۶۵/۷ | ۷۹۵ | ٪۴۸/۱ |
| آفریقا | ۶۰/۴ | ۹۶/۸ | ۱۳۲/۷ | ۱۳۲/۴ | ٪۸ |
| آسیای حوزة اقیانوس آرام | ۳۷ | ۴۰/۵ | ۴۱/۷ | ۴۱/۳ | ٪۲/۵ |
| جهان | ۱۰۳۲/۸ | ۱۲۶۷/۳ | ۱۶۲۲/۱ | ۱۶۵۲/۷ | ٪۱۰۰ |

Source: BPStatistical Review of World Energy, June 2012, p.6.

دو، غرب آسیا یکی از مناطق مهمی است که همیشه در آن اختلاف و درگیری وجود دارد. جنگ‌های چهارگانه اعراب و اسرائیل از ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹، حمله شوروی به افغانستان در همان سال، حمله عراق به ایران در سال ۱۹۸۱، حمله اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۱۹۸۲، حمله صدام به کویت در سال ۱۹۹۰، حمله آمریکا به عراق برای آزادسازی کویت در سال ۱۹۹۲، جنگ داخلی افغانستان در دهه نود سده بیستم، حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱، حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، جنگ ۳۳ روزه اسرائیل با لبنان در سال ۲۰۰۵، درگیری رژیم صهیونیستی در نوار غزه از سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۲ و حمله ناتو به لیبی در سال ۲۰۱۱ مصادیق بارز این امر است. به عبارت دیگر، غرب آسیا در هیچ دهه‌ای روی خوش نداشته و در شش دهه گذشته، پس از جنگ جهانی دوم تا کنون، به طور متوسط ۴ رخداد خصومت‌آمیز را در هر دهه شاهد بوده است (به جدول صفحه بعد نگاه کنید).

اختلاف‌های مرزی به جامانده از دوره استعمار، تعدد و کثرت فرهنگی، قومی و زبانی، زمینه‌ساز این اختلاف‌ها بوده است. در نتیجه این وضعیت، اختلاف و درگیری روال غالب در منطقه است و هیچ طرح امنیت مشترک یا رژیم امنیتی جز در دهه ۱۹۷۰ میلادی در منطقه به وجود نیامده و همین امر نوعی معمای امنیتی در منطقه ایجاد کرده است.

سه، مسئله فلسطین اشغالی یکی از اختلافات جدی و طولانی مدت در منطقه است که باعث شده نه تنها جنگ‌های متعددی در منطقه به راه افتد که آخرین آن درگیری حماس و رژیم صهیونیستی است، بلکه همچنان به عنوان موضوع اختلافی در میان کشورهای مختلف منطقه از غرب آسیا تا شمال آفریقا مطرح باشد و شکل‌گیری نظام‌های مردمی در منطقه از سال ۲۰۱۱ باعث تشدید این اختلاف در آینده خواهد شد. مادامی که این وضعیت در منطقه وجود دارد، افزایش تحرکات نظامی و غلبه وضعیت نظامی بر شرایط ثبات و آرامش مشهود است و تا زمانی که این اختلاف به روال قابل قبولی حل نگردد، معمای امنیتی در غرب آسیا تداوم خواهد یافت و تداوم بحران و افزایش هزینه‌های نظامی و حتی گرایش به سوی تسلیحات کشتار جمعی، به ویژه سلاح هسته‌ای در منطقه را شاهد خواهیم بود.

سلاح‌های کشتار جمعی، به چند دلیل در منطقه اهمیت دارد:

اول) غرب آسیا مکانی است که سلاح‌های غیرمتعارف و موشک‌ها حداقل در سطح محدود در ستیزهای جدید به طور تاکتیکی مورد استفاده بوده است. همانند استفاده مصر از سلاح شیمیایی در یمن در دهه ۱۹۶۰، استفاده لیبی علیه چاد، استفاده عراق علیه کردها و ایران و استفاده رژیم صهیونیستی. گسترش این سلاح‌ها، به ویژه در حوزه هسته‌ای، به واسطه اهمیت راهبردی آن، معادلات منطقه‌ای را تغییر خواهد داد.

دوم) غرب آسیا حتی بدون استفاده از این سلاح‌ها، منطقه محوری گسترش، چه در زمینه تسلیحات متعارف و چه در موارد غیرمتعارف می‌باشد.

جدول (۲): توزیع منطقه‌ای، تعداد و نوع اختلاف‌های عمده مسلحانه ۱۹۹۰-۱۹۹۹

| ۱۹۹۹ | | ۱۹۹۸ | | ۱۹۹۷ | | ۱۹۹۶ | | ۱۹۹۵ | | ۱۹۹۴ | | ۱۹۹۳ | | ۱۹۹۲ | | ۱۹۹۱ | | ۱۹۹۰ | | مناطق |
|------|----|------|----|------|----|------|----|------|----|------|----|------|----|------|----|------|----|------|----|------------------|
| س | ح | س | ح | س | ح | س | ح | س | ح | س | ح | س | ح | س | ح | س | ح | س | ح | انواع اختلاف |
| ۱ | ۱۰ | ۱ | ۱۰ | - | ۴ | ۱ | ۲ | ۱ | ۴ | ۱ | ۵ | ۱ | ۶ | ۱ | ۶ | ۳ | ۸ | ۳ | ۸ | آفریقا |
| - | ۲ | - | ۲ | - | ۲ | - | ۳ | - | ۳ | - | ۳ | - | ۳ | - | ۳ | - | ۴ | - | ۴ | آمریکای جنوبی |
| ۷ | ۲ | ۶ | ۳ | ۶ | ۳ | ۶ | ۴ | ۷ | ۴ | ۶ | ۴ | ۶ | ۴ | ۸ | ۴ | ۸ | ۳ | ۹ | ۴ | آسیا |
| ۲ | - | ۱ | - | - | - | ۱ | - | ۳ | - | ۴ | - | ۵ | - | ۳ | - | ۱ | - | - | - | اروپا |
| ۲ | ۱ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۴ | ۲ | ۴ | ۲ | ۴ | ۲ | ۴ | ۲ | ۳ | ۲ | ۴ | ۲ | ۳ | ۱ | غرب آسیا |
| ۱۲ | ۱۵ | ۱۰ | ۱۷ | ۸ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۵ | ۱۳ | ۱۵ | ۱۴ | ۱۶ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۵ | ۱۷ | جمع هر اختلاف |
| ۲۷ | | ۲۷ | | ۱۹ | | ۲۳ | | ۲۸ | | ۲۹ | | ۳۱ | | ۳۰ | | ۳۳ | | ۳۲ | | جمع کل اختلاف |

ح: اختلاف حکومتی و س: اختلاف سرزمینی

Source: SIPRI Yearbook 2000, p.16.

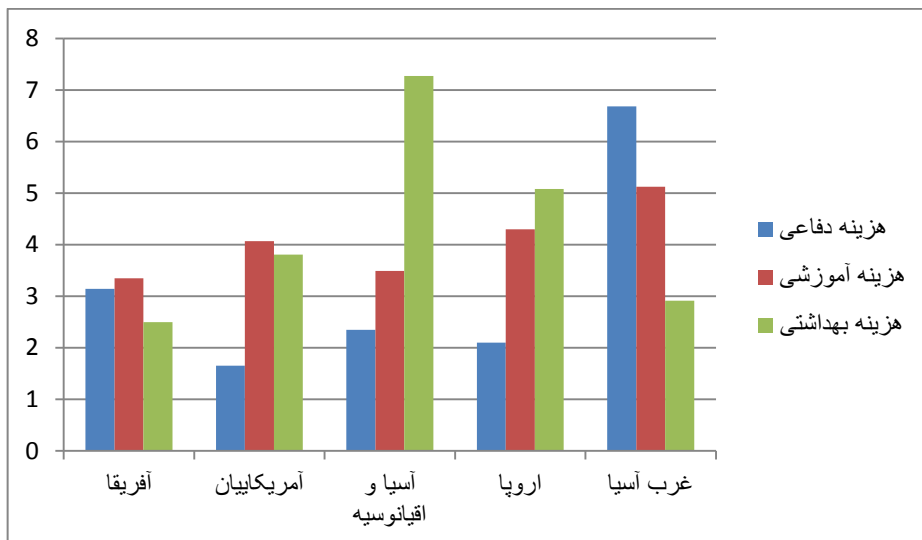
نقش عبدالقدیرخان در پاکستان، موردی در این زمینه است. سوم) برتری سلاح‌های کشتار جمعی، محیط امنیتی غرب آسیا را به واسطه عدم شفافیت فرهنگ و انگیزه‌های بازیگران منطقه‌ای پیچیده‌تر می‌سازد. چهارم) سلاح‌های کشتار جمعی به شدت با منافع بازیگران فرامنطقه‌ای مثل آمریکا، اروپا، روسیه، چین و کره شمالی مرتبط است.

پنجم) در عین حال، کشورهای منطقه نیز به سه دلیل به دنبال سلاح‌های کشتار جمعی هستند؛ کسب وزن و اعتبار بین‌المللی، مقابله با برتری غرب، توسعه داخلی و تجارت بین‌المللی (Bensahel and Byman, 2004: 25).

مجموعه این عوامل نشان می‌دهد در غرب آسیا زمینه برای ایجاد رژیم امنیتی و امنیت مشترک فراهم نبوده و نیست و معمای امنیتی جدی در منطقه، لزوم توجه به مؤلفه‌های واقع‌گرایانه و نواقح‌گرایانه و اولویت مسایل نظامی و راهبردی را دوچندان می‌کند. در عین حال، همانطور که در مقدمه آمد، تداوم چنین وضعیتی باعث چند عارضه نظیر مسابقه تسلیحاتی، حضور بیگانگان و افزایش درگیری بین کشورهای منطقه می‌شود که با سیاست خارجی کشور ما تناسب ندارد.

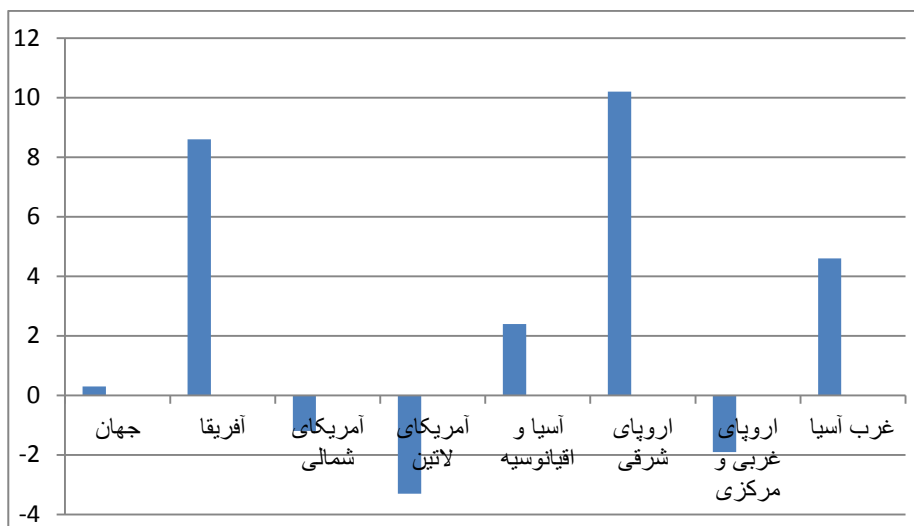
در شرایطی که نه امکان ایجاد رژیم امنیتی در منطقه وجود دارد و نه تداوم معمای امنیتی تأمین‌کننده منافع کشورهای منطقه، به ویژه جمهوری اسلامی است، راهبرد دفاع غیرتحریک‌آمیز، منطقی‌ترین راهبرد جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

نمودار (۱): مقایسه هزینه‌های نظامی، آموزشی و بهداشت در مناطق مختلف جهان با غرب آسیا



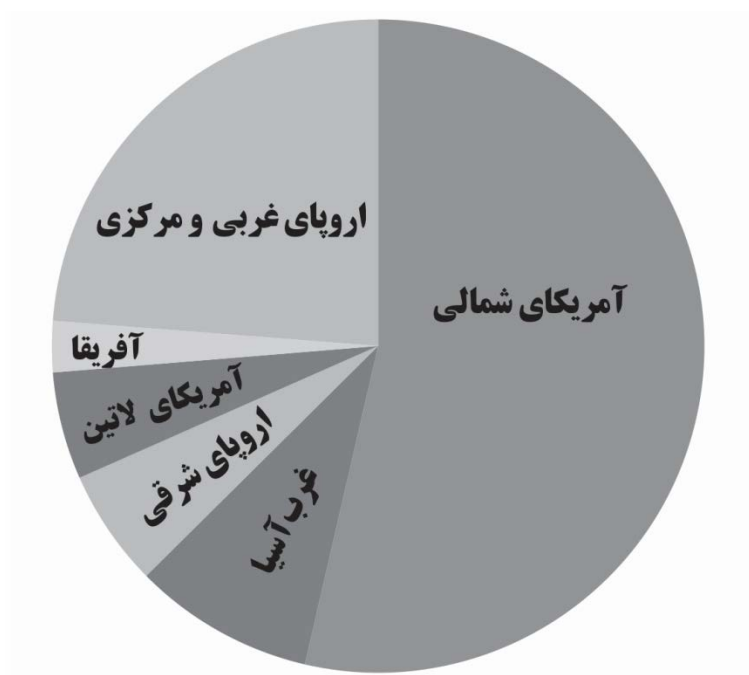
Source: IMF, 2005.

نمودار (۲): درصد رشد هزینه‌های نظامی در مناطق مختلف جهان (از جمله غرب آسیا) ۲۰۱۱



Source: SIPRI Yearbook 2011, p.4.

نمودار (۳): درصد هزینه‌های نظامی در مناطق مختلف جهان (از جمله غرب آسیا) ۲۰۱۱



Source: SIPRI Yearbook, 2011, p.4.

ج. دفاع غیرتحریرک آمیز: راهبرد مناسب جمهوری اسلامی ایران

علاوه بر آنکه غرب آسیا منطقه‌ای است که امکان رسیدن به امنیت مشترک را ندارد، جمهوری اسلامی نیز در منطقه غرب آسیا کشوری خاص با اهداف و آرمان‌های خاص است. در واقع، انقلاب اسلامی، حتی در میان انقلاب‌های مدرن جهان منحصر به فرد است. «انقلاب اسلامی ایران اولین انقلابی بود که مدیون ایدئولوژی‌های اروپایی نبود و بدون حمایت قدرت‌های بزرگ به حیات سیاسی خویش ادامه داده است. جنبش انقلابی ایران دارای بنیادهای مذهبی بود و توسط روحانیون رهبری می‌شد. مردم در روند انقلاب احساس همبستگی بیشتری در مقایسه با سایر انقلاب‌ها از خود نمایان ساختند. حزب حاکم یا پیشتازی که به هدایت یا رهبری توده‌ها بپردازد، وجود نداشت و در نتیجه برای اولین بار در تاریخ انقلاب مدرن، رهبری

انقلاب توانست به اقتدار و حاکمیت کامل و همه‌جانبه‌ای دست یابد» (احتشامی، ۱۳۷۸: ۲۰). آموزه‌هایی که این انقلاب داشت را می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد: به چالش کشیدن دو اردوگاه شرق و غرب، تجدید نظر در ساختار نظام بین‌المللی، ایجاد نظم اسلامی، جایگزینی واحد «امت» به جای «ملت‌دولت»، صدور انقلاب به محرومان و ملت‌ها، اتخاذ سیاست موازنه منفی، انقلاب جهانی و در یک کلام، گرایش به سیاست‌های ضد امپریالیستی، ضد ملی‌گرایی و ضد سلطنتی (ادیب‌مقدم، ۱۳۸۸: ۶۰). انقلاب اسلامی آرمان‌های بلندی داشت که آن را می‌توان در بخش‌هایی از قانون اساسی جمهوری اسلامی یافت. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم آورد، به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان هذمه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی در سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند (و یضع عنهم اصرهم و الا لغلالتی کانت علیهم)». همچنین، در اصل ۱۵۴ قانون اساسی آمده است: «...سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد». این آرمان‌ها پیام نرم جمهوری اسلامی برای جهانی امن‌تر و مسالمت‌آمیزتر بود. همچنان‌که امام خمینی (ره) گفتند: «مایی که می‌خواهیم اسلام در همه جا باشد و می‌خواهیم اسلام صادر بشود ما که نمی‌گوییم که می‌خواهیم با سرنیزه صادر بکنیم ما می‌خواهیم با دعوت، با دعوت به همه جا اسلام را صادر کنیم» (امام خمینی، ۱۳۶۴: ۲۹). در عین حال، پیام نرم جمهوری اسلامی در بیرون از مرزهای ایران باعث شد قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای تمام‌قد مقابل آن بایستند. شعار ضد امپریالیستی «نه شرقی و نه غربی» باعث تحریک قدرت‌های بزرگ و شعارهای ضد ارتجاعی و ضد سلطنتی باعث هراس کشورهای عرب پیرامون ما به ویژه در خلیج فارس شد. جنگ تحمیلی پروژه مشترک غرب و اکثر کشورهای عربی بود برای جلوگیری از صدور شور انقلابی به جهان.

تجربه نشان می‌دهد پیام مشفقانه ما به منطقه و جهان، نه تنها زمینه ایجاد امنیت مشترک را در منطقه غرب آسیا فراهم نساخت، بلکه تهدید جدی علیه ما را برانگیخت و معمای امنیتی منطقه را پیچیده‌تر کرد. اقدام مشترک اعراب علیه ایران در جنگ تحمیلی نشان داد جمهوری اسلامی باید تغییر مشهودی در سیاست دفاعی و خارجی خود در منطقه ایجاد کند. این تغییر، افزایش قدرت ملی است تا در صورت گرایش به سوی تجدید نظرطلبی، زمینه ناامنی علیه ساختار سیاسی کشور ایجاد نگردد و در عین حال، تهدید رژیم صهیونیستی به حاشیه نرود. به عبارت دیگر، نوعی همسویی بین اهداف ملی و فراملی پدید آید و روند تجدید نظرطلبانه و آرمان‌خواهانه کشور مسیر مناسب‌تر و روبه رشد و در عین حال، بدون وقفه را طی کند.

در واقع، دامن‌زدن به معمای امنیتی می‌تواند چند پیامد برای ما داشته باشد: نخست، زمینه جنگ غیرعمدی و عمدی را در پی دارد. جنگ تمام‌توان و انرژی ما را به خود مشغول خواهد کرد و آرمان‌خواهی ما را کند و به تأخیر می‌اندازد و امکانات مسلمین را علیه مسلمین منطقه به هدر می‌برد که در نهایت به نفع کشورهای خصم است. دو، احساس عدم امنیت کشورهای منطقه باعث می‌شود توجه از رژیم صهیونیستی به ما منتقل گردد؛ در حالی که مسأله اصلی و جدی منطقه، این رژیم است. سه، حضور بیگانگان را در منطقه افزایش خواهد داد که به هیچ وجه نزدیکی آنها به نفع ما نیست. چهار، مسابقه تسلیحاتی و خریدهای نظامی را افزایش می‌دهد که باز امکانات و ثروت ملت‌های مسلمان به جیب کشورهای غربی و مجتمع‌های صنعتی و نظامی آنها روانه می‌گردد. پنج، جنگ سرد و لفاظی را میان کشورهای منطقه افزایش می‌دهد. شش، رشد و توسعه منطقه را دچار مشکل می‌سازد و توجه را از پیشرفت به هزینه‌های غیرلازم که برای این کشورها نیز مفید نیست و باعث فقیرتر شدن منطقه خواهد شد، سوق می‌دهد.

این پیامدها نشان می‌دهد جمهوری اسلامی باید جلوی افزایش معمای امنیتی در منطقه را بگیرد. در عین حال، این به معنی حفظ وضع موجود نیست؛ زیرا نه امکان ترسیم وضعیت امنیت مشترک در منطقه وجود دارد و نه ساختار معنایی جمهوری اسلامی زمینه ورود به معادلات کنونی منطقه‌ای را فراهم می‌سازد؛ زیرا با آرمان انقلاب ناهمخوانی دارد. از این رو، دفاع غیرتحریک‌آمیز با تأکید بر اصل دفاع و بازدارندگی، زمینه را برای تقویت بنیان خود،

کاهش احساس ناامنی در کشورهای منطقه و پیگیری آرمان‌های انقلاب اسلامی در زمان مقتضی و مناسب را فراهم می‌سازد. بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا نشان داد آرمان‌های انقلاب اسلامی در حال پیشروی در منطقه است و اگر معمای امنیتی تقویت گردد، ممکن است هراس و حتی دوری‌گزینی از آرمان‌های بلند جمهوری اسلامی را در منطقه افزایش دهد.

در فرمایشات حضرت امام (ره) نیز اجتناب از جنگ و تأکید بر دفاع، مورد توجه قرار گرفته است: «ما دفاع می‌کنیم. دفاع لازم است. ما می‌خواهیم که این انقلابمان را، انقلاب فرهنگی‌مان را، انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم» (همان: ۳۷). «اولاً ما به تبع اسلام با جنگ همیشه مخالفیم و میل داریم که بین همه کشورها آرامش و صلح باشد. لکن اگر جنگ را بر ما تحمیل کنند، ما تمام ملتمان جنگجوست و با تمام قوا مقابله می‌کنیم و لو اینکه همه ابرقدرت‌ها هم دنبال او باشند. برای اینکه شهادت را یک فوز عظیم می‌دانیم و ملت ما هم شهادت را به جان و دل قبول می‌کند و از جنگ نخواهیم هراسید و مرد جنگ هستیم، لکن مایل نیستیم به اینکه جنگ واقع شود». (همان: ۴۱) «ما مدافع هستیم از منافع خودمان، ما مدافع از اسلام هستیم ... ما مدافع اسلام هستیم و مدافع اسلام با جان و مال و عزیزان خودش دفاع می‌کند و هرگز نخواهند نشست». (همان: ۴۲) «... لکن دفاع که حق هر انسانی است و واجب است بر هر انسانی دفاع از خود و دفاع از کشور خود و دفاع از دین خود، ما به عنوان دفاع در مقابل این قدرت‌ها ایستاده‌ایم ... جنگ ما دفاع است، هجوم نیست». (همان: ۴۵-۴۶) «ما با هیچ کشوری چه اسلامی و چه غیراسلامی سر جنگ نداریم و طالب صلح و صفا برای همه هستیم و تا کنون نیز به دفاع که برای هر کس فریضه‌ای است الهی و حقی است انسانی، برخاسته‌ایم؛ هرگز قصد تجاوز به کشورهای دیگر را نداریم و می‌خواهیم کشورهای اسلامی در کنار هم با تعهد اسلامی به دفاع از حقوق مسلمین و کشورهای اسلامی در قبال متجاوزان و متجاسران مانند اسرائیل تجاوزگر بایستند». (همان: ۴۷) «این "جنگ جنگ تا پیروزی" که مردم می‌گویند، این جنگ دفاعی است و الا ابتدائاً که اگر این مسایل نبود، ایران به هیچ جا نظر نداشت، الان هم ندارد». (همان: ۶۴) «امروز ما در حال دفاع هستیم و دفاع از کشور یکی از عبادات بزرگ است». (همان: ۹۱)

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه می‌فرماید: «توصیه من این است که برای آمادگی، هیچ فرصتی را از دست ندهید... اما آماده نبودن همواره خطر بزرگ و دهشتناکی را بر کشور و بر آبروی نیروهای مسلح تحمیل می‌کند. همیشه باید آمادگی‌ها را حفظ کرد و افزایش داد: آمادگی معنوی و مادی». (<http://www.khamenei.ir/speech-content?id=31548q>)

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران نیز در محیط پیرامونی خود با حضور رژیم صهیونیستی و آمریکا مواجه است که یکی در منطقه غرب آسیا و دیگری در در پایگاه‌های خود در کشورهای همسایه حضور دارد. در این شرایط، راهبرد دفاع غیرتهاجمی برای کشور که دشمنی دور از مرزهای اصلی خود دارد، خطرناک است (Roggeveen, 2008: 6). بنابراین، راهبرد دفاع غیرتحریریک آمیز کارایی بیشتری با توجه به وضعیت منطقه دارد.

مهمترین بخش دفاع غیرتحریریک آمیز داشتن دیپلماسی مناسب در منطقه پیرامونی برای توجیه سیاست‌های دفاعی کشور، ایجاد همکاری، افزایش اطمینان و اعتماد و در نهایت، تلاش برای امنیت‌سازی در منطقه است. در این زمینه باید از تمهیدات اعتماد و امنیت‌ساز استفاده کرد که آن را نیز باید در جای خود در بدنه دستگاه دیپلماسی فعال نمود.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله ارایه استراتژی دفاعی مناسب با توجه به شرایط و موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه است. تا کنون، کشورهای منطقه برداشت مناسبی از پیام وحدت‌بخش جمهوری اسلامی نداشتند و از این رو، امکان طراحی نظام امنیت مشترک به خاطر تفاوت در باورها و دیدگاه‌های کشورهای منطقه به وجود نیامده است. این وضعیت به معنای افزایش معمای امنیتی در منطقه است. نتیجه معمای امنیتی در غرب آسیا و به ویژه خلیج فارس، شکل‌گیری مسابقه تسلیحاتی، افزایش همکاری کشورهای منطقه با قدرت‌های بزرگ، گرایش به ایران‌هراسی در منطقه و فرافکنی بحران رژیم صهیونیستی به سمت ایران و حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه است که همگی این عوامل بر خلاف منافع و مواضع اعلامی و اعمالی جمهوری اسلامی ایران است.

برای گذر از این وضعیت که نه امکان ایجاد رژیم مشترک یا رژیم امنیتی مناسب و قابل قبول وجود دارد و نه می‌بایست به معمای امنیتی در منطقه دامن زده شود، نیاز است تا راهبرد دووجهی دفاع غیرتحریک‌آمیز در دستور کار قرار گیرد. در این راهبرد، ضمن افزایش توان دفاعی و بازدارندگی در سطح سرزمینی، زمینه مقابله با تحرکات نظامی دشمنان دور از ایران نیز فراهم می‌شود. در عین حال، این راهبرد باید این امکان را فراهم کند که هرگونه تحرک نظامی را از طریق دیپلماسی یا حتی دیپلماسی نظامی^۱ برای کشورهای منطقه توجیه کند و از بروز هرگونه جنگ سرد در منطقه پیش‌گیری نماید. اعتمادسازی یکی از مهمترین عوامل کاربردی کردن این راهبرد است. اثبات مسالمت‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای برای نهادهای صلاحیت‌دار امکان مشارکت دیگر کشورها در برنامه هسته‌ای ما را فراهم می‌سازد و در عین حال، از گسترش برنامه هسته‌ای در منطقه و حضور و نفوذ دیگر کشورها می‌کاهد.

همچنین، انتشار اسناد امنیت ملی، دکترین دفاعی، دکترین موشکی و دکترین هسته‌ای به شفاف‌سازی و اعتمادسازی و کاهش معمای امنیتی در منطقه کمک خواهد کرد.

ضمن آنکه این راهبرد، علاوه بر آنکه بین بخش دفاعی و نظامی کشور نوعی هماهنگی و هم‌سانی ایجاد می‌کند، بین دفاع و سیاست خارجی نیز هم‌سویی ایجاد می‌کند و در نهایت، نه تنها وضعیت منطقه را آرام‌تر می‌کند تا زمینه بروز و ظهور آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی فراهم شود، نوعی بازدارندگی در سطح فرامنطقه نیز ایجاد می‌کند. این راهبرد ضمن از بین بردن دستاویز و بهانه برای کشورهای منطقه و فرامنطقه، زمینه ایران‌هراسی را کاهش داده و بستری برای حضور فعال‌تر در شکل‌دهی به ترتیبات امنیت منطقه‌ای برای ما فراهم خواهد کرد.

منابع

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)؛ *سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی*، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستینچی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ادیبمقدم، آرشتین (۱۳۸۸)؛ *سیاست بین‌المللی در خلیج فارس؛ تبارشناسی فرهنگی*، ترجمه داود غرایاق زندی، تهران: شیرازه.
- امین، محمد (گردآورنده) (۱۳۷۵)؛ *متن بازنگری شده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: خورشید.
- خمینی، آیت‌الله روح الله خمینی (۱۳۶۴)؛ *صحیفه نور*، جلد ۱۸، تهران: وزارت ارشاد.
- دوایسدل، آلاسدایر و جرالده ج. بلیک (۱۳۷۰)؛ *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، دره میرحیدر (مهاجرانی)، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز مطالعات خلیج فارس.
- گروه مطالعات استراتژیک دفاعی (۱۳۸۷)؛ *عملیات روانی: اصول و موازین*، تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی.

- Biddle, Stephan D. (sep. 1989); *The State of Knowledge on the Determinants of Offensiveness and Defensiveness in Conventional Ground Forces*, Institute for Defence Analysis.
- Evangelist, Matthew A. (fall 1983); "Offensive or Defense: A Tale of Two Commissions", *World Policy Journal*, Vol. 1, No. 1 (fall, 1983), pp. 45-69.
- <http://www.khamenei.ir/speech-content?id=31548q>.
- Mack, Andrew (no date); "The Theory of Non-provocative Defense: How Relevant for Korea?" *The Korean Journal of Defense Analysis*.
- Møller, Bjørn (1991); "Non-Offensive Defence in the Middle East", *Resolving the Security Dilemma in Europe. The German Debate on Non-Offensive Defence*, London: Brassey's.
- Møller, Bjørn (1994); "Germany and NOD," in BjørnMøller&Wiberg (eds.) (1994); *Non-Offensive Defence for the Twenty-First Century*, Boulder: Westview, Press.
- Møller, Bjorn (1994); *The Dictionary of Alternative Defence*, Lynne Rienner Publishers.
- Møller, Bjørn (1997); "Small States, Non-Offensive Defence and Collective Security," in EfraimInbar& Gabriel Sheffer (eds.); *The National Security of Small States in a Changing World*, London: Frank Cass.
- Møller, Bjørn (ed.) (2001); *Oil and Water: Cooperative Security in the Persian Gulf*, London: I.B.Tauris Publishers.
- Møller, Bjørn (no date); Common Security and Non-Offensive Defense as Guidelines for Defense Planning and Arms Control? *The International Journal of Peace Studies*.

- Møller, Bjørn (No Date); *Non-Offensive Defense: A Brief Introduction*, Available at: <http://www.copri.dk/copri/researchers/moeller/bm.htm>.
- Nora Bensahel and Daniel L. Byman (2004); *The Future Security Environment in the Middle East: Conflict, Stability and Political Change*, RAND Corporation, available at: <http://www.rand.org>
- Reppy, Judith, Joseph Rotblat, John Holdren, Vsevolod Avduyevsky (Hrsg) (1998); *Conversion of Military R&D*, London/ New York.
- Roggeveen, Sam (2008); *A Non-provocative Defence Posture for Australia*, Based on remarks made at the Australian Strategic Policy Institute's Global Forces 2008 Conference (3 July 2008) and the Lowy Institute Combat Capability Edge Seminar (29 May 2008).
- Saperstein, Alvin M. (2012); "Reflections on New Technology and "Non-Provocative Defense", *American Physical Society*.
- Wiseman, Geoffrey (2002); *Concepts of Non-Provocation Defence: Ideas and Practices in International Security*, Great Britain and Palgrave.